

شهرستان رودبار

موقعیت و وسعت شهرستان رودبار:

شهرستان رودبار یکی از شهرستان های استان گیلان است و مرکز آن در ۶۷ کیلومتری شهر رشت قرار دارد. مرکز شهرستان رودبار در ۴۹ درجه و ۲۴ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۲۵۰ متری از سطح دریا واقع است. شهرستان رودبار در ۴۹ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۵۰ درجه ۵ دقیقه طول شرقی ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی واقع است. مساحت شهرستان ۲۳۷۰/۲ کیلومتر مربع است براساس آمار ۱۳۸۵ وسیعترین شهرستان استان می باشد. شهرستان رودبار از شمال به سیاهکل، رشت و شفت، از شرق به سیاهکل و دیلمان و از جنوب به استان های قزوین و زنجان محدود می شود.



شهرستان رودبار دارای ۷ شهر به نام های بره سر، توتکابن، جیرنده، رودبار، منجیل، لوشان و رستم آباد و ۴ بخش به نام های بخش خورگام با دو دهستان خورگام با ۳۱ آبادی و دلفک با ۱۲ آبادی، بخش رحمت آباد و بلوکات با سه دهستان بلوکات با ۲۱ آبادی، دشتول با ۲۴ آبادی و رحمت آباد با ۲۲ آبادی، بخش عمارلو با دو دهستان جیرنده با ۲۱ آبادی و کلیشم با ۱۱ آبادی، بخش مرکزی با سه دهستان بهنام رستم آباد جنوبی با ۱۶ آبادی، رستم آباد شمالی با ۱۹ آبادی و کلشتر با ۲۷ آبادی دارای ۴۲۷ آبادی می باشد.

ویژگی های اقتصادی

اقتصاد این منطقه به علت شرایط خاص اقلیمی بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. مهم ترین محصول آن زیتون می باشد که عمده ترین محصول کشاورزی شهرستان بوده و دارای فرآورده های بسیاری چون روغن زیتون و صابون است. تاریخچه کاشت زیتون در رودبار بر اساس یافته های باستان شناسی در تپه جلالیه به دوران ساسانی بر می گردد. البته در سالهای اخیر کاشت انار و کشت برنج در دشت ها همچنین کشت جو و کلزا در شهرستان رودبار رواج پیدا کرده است. که هنگام عبور از آن به راحتی قابل مشاهده است.



باغداری و کشاورزی اساس اقتصاد این شهرستان را تشکیل می‌دهد رودبار از خاک حاصل خیز و آب کافی برای کشاورزی برخوردار است. آب کشاورزی از طریق سد منجیل، رودهای فرعی و چشمه‌ها فراهم شده است. شال‌بافی، جوراب‌بافی، نمد، گلیم، جاجیم و آهنگری و تهیه لباس از پشم گوسفند از جمله صنایع دستی این منطقه به شمار می‌آیند. دامداری در کنار کشاورزی ولی در ابعاد ضعیف تر از کشاورزی و باغداری صورت می‌گیرد. صادرات رودبار را زیتون، روغن، عسل، صابون، کفش و چرم تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین صنایع دستی این شهرستان را سب‌بافی، حصیربافی، نمدمالی، صنعت‌ریسندگی و بافندگی و شیشه‌گری تشکیل می‌دهند، نمدمالی یکی از صنایع دستی مهم شهرستان رودبار است که در اصل گونه‌ای فرش است که از رخنه رطوبت و سرما جلوگیری می‌کند و از پشم تهیه می‌شود. حصیر، سبد، کلاه، زیرانداز و کف‌پوش که جنبه تزئینی دارند از دیگر صنایع دستی شهرستان رودبار به شمار می‌آیند.

ویژگی‌های تاریخی

رودبار به نام‌های مختلفی از جمله «خشکه رودبار»، «رودبارمحمد زمان خانی»، «رودبار زیتون پیله رودبار» معروف بوده‌است که نام رودبار احتمالاً به دلیل جریان داشتن رودخانه سفید رود در این شهرستان پدید آمده‌است. رودبار از نظر تاریخی دارای قدمتی ۶ هزارساله می‌باشد. آثار بدست آمده در تپه مارلیک حاکی از وجود تمدنی کهن در این منطقه است که مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد می‌باشد گفتنی است درخت زیتون هم زمان با کوچاندن کردان از نواحی شمال سوریه و حلب، به این منطقه راه پیدا کرد، این اتفاق در زمان شاه عباس بزرگ رخ داد.

وجه تسمیه و پیشینه تاریخی

به سبب تعدد رودهای جاری در این ناحیه، این منطقه را رودبار نامیده اند. با آن که پیشینه تمدن رودبار و نواحی پیرامون آن، به دو هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد، در متن های تاریخی کم تر به نام این شهر اشاره شده است. پس از اسلام، طایفه هایی از شام و حلب به رودبار مهاجرت کردند و در آن ساکن شدند. بعدها، در زمان نادرشاه افشار، گروهی از کردهای قوچان و نواحی شمال خراسان نیز ناگزیر از سکونت در این شهر شدند. رودبار منطقه‌ای کوهستانی است و مرتفع ترین شهرستان استان گیلان به شمار می‌آید. رودبار را می‌توان دروازه ورودی گیلان از طریق مرکز کشور دانست. کوه‌های بسیار زیبای این ناحیه، به صورت رشته‌های موازی با دره‌های جالب توجه، فضای دلنشینی را پدید آورده‌اند. طبق شواهد و مدارک موجود تاریخ سکونت در این شهرستان به قبل از اسلام بر می‌گردد، اما در این روایات به

رودبار به عنوان شهرستان اشاره ای نشده است و عنوان مشخص شهر در چند دهه اخیر به رودبار داده شده است. رودبار تا سال ۱۳۴۵ شامل تعدادی روستای نزدیک به هم بوده که از این سال به عنوان شهر تلقی شده است. این شهر از چند نقطه منفصل از یکدیگر تشکیل شده بود که سابقه تمدن آن ها به بیش از ۷۰۰ سال می‌رسد، اما سکونت ممتد در این مکان به حدود ۲۵۰ سال قبل برمی‌گردد. هسته اولیه این شهر در سه نقطه بالا بازار، وسط بازار و پایین بازار شکل گرفته است.

هسته اولیه بالا بازار در محله آلیزه - که ساختمان های آن از ناپایدارترین مصالح ساخته شده بود - و در ۲۵۰ سال قبل شکل گرفت. ساختمان های خشت و گلی با سقف چوبی و راه های ارتباطی (کوچه های باریک و تنگ) از مشخصات این محله بوده است. به خاطر همین خصوصیات این محله بیش ترین تلفات را بر اثر زلزله داشته است. وجود بازار در محله پایین بازار که تمام آن همزمان ساخته شده بود، سبب گشت که بسیاری از مردم منطقه جهت سکونت دائمی از محل بیلاق پایین بیایند. نکته مهم این که این محل راه عبور قافله های تجار و مسافری شمال و مشهد بوده است و قشونی که برای جنگ به گیلان می رفتند نیز از این نقطه عبور می کردند.

رشد بعدی شهر رودبار با گسترش این سه محله صورت گرفت. در طرف دیگر رودخانه سفیدرود باغ بزرگی وجود داشت که چند دهه پیش خریداری شده و در نزدیکی آن خانه و کارخانه روغن کشی احداث شد. به این ترتیب ساحل مقابل سفیدرود نیز شروع به گسترش کرد. محلات دیگر رودبار که همگی دارای قدمت زیادی هستند، منفصل از شهر رشد کرده بودند که در سال های اخیر این نقاط به عنوان بخشی از شهر مطرح شدند. ساختار شهر رودبار یک ساختار پراکنده است که در ابتدای یک قرارداد به عنوان شهر تعیین شد و سپس در طول زمان تجلی تاریخی، روانی و سپس کالبدی پیدا کرد. فرم غالب این شهر خطی است که توسط عوامل خطی جاده، رودخانه و دره شکل گرفته است.

حفاری های مارلیک:

حفاری های تپه مارلیک به سرپرستی مرحوم دکتر نگهبان در اوایل پاییز ۱۳۴۰ شروع و تا پایان پاییز ۱۳۴۱ یعنی حدود چهارده ماه به طور مداوم ادامه داشت.

در ابتدای کار و ضمن حفاری ۵۳ آرامگاه به طور نامنظم و پراکنده در سطح تپه آشکار شد که مقدار زیادی آثار ارزنده و نفیس با مردگان دفن شده بود و دارای قدمت حدود سه هزار سال است یعنی اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح می رسید..

قبرها و آرامگاه‌های مارلیک عمدتاً از سنگ و گل ساخته شده است در کف آرامگاه تخته سنگی بزرگ قرار داده سپس مردگان را بر روی تخته سنگ‌ها دفن نموده‌اند و اشیایی نیز به همراه مرده در مراسم کفن و دفن قرار داده شده و مرده را عمدتاً بر پهلو می‌خوابانند و جسد را با لباس رسمی و تشریفاتی به خاک سپرده اند. در بدن زنان انگشترها، گوشواره‌ها، گردنبندها، دستبندها و ... در مورد مردان بیشتر سلاح‌های جنگی مانند شمشیرها، خنجرها، قمه ها و... دفن می‌شد.

ظروف زرین:

- ۱_ ظرف طلا با حاشیه تزئینی (آرامگاه شماره ۲۶)
- ۲_ فنجان طلا با بدنه صیقلی (آرامگاه شماره ۲۷)
- ۳_ جام طلا با تزئینات نقطه چین (آرامگاه ۴۷)
- ۴_ کاسه زرین با صحنه گوزن کوهاندار و درخت زربین (آرامگاه شماره ۲۴)
- ۵_ جام زرین با نقش ماهی و گاو رمیده (آرامگاه شماره ۳۲)
- ۶_ فنجان زرین با نقش خیاره‌ای گل در کف و بدنه (آرامگاه شماره ۳۶)
- ۷_ ظرف زرین با نقش خیاره ای گل در کف (آرامگاه شماره ۳۷)
- ۸_ جام زرین مارلیک با نقش گاوهای بال دار (آرامگاه شماره ۲۶) این جام معروف به جام طلای مارلیک و به نام حفاری‌های مارلیک خوانده شده است. ۱۷/۵ سانتیمتر ارتفاع قطر دهانه فشرده آن ۱۴ سانتیمتر است طلای بکار رفته در آن نسبتاً خالص بوده و چهار گاو بالدار در چهار طرف آن بکار رفته و هنر آن با تکنیک قلمزنی استفاده شده است. و هر جفت از گاوها به صورت قرینه در حال بالا رفتن از درخت (معروف به درخت زندگی) است.
- ۹_ جام زرین با نقش اسب شاخدار (آرامگاه شماره ۴۵)
- ۱۰_ فنجان طلا با نقش بز کوهی در حالت آرمیده (آرامگاه شماره ۳۶)

۱۱- کاسه زرین با نقش عقاب و قوچ (آرامگاه شماره ۳۶)

۱۲- جام زرین با نقش سیمرغ و گاو بالدار (آرامگاه شماره ۳۶)

۱۳- کاسه زرین با نقش عقاب (آرامگاه ۳۲)

۱۴- جام طلایی با داستان افسانه زندگی (آرامگاه شماره ۲۹)

بدنه جام با چهار ردیف نقش از پایین به بالا شروع می‌شود در هر ردیف هر نقش چند بار دورا دور جام تکرار شده است و هرکدام از این ردیف‌ها یک داستان را تصویر می‌کنند. داستان از ردیف پایین شروع می‌شود و در بالاترین ردیف به پایان می‌رسد.

۱۵- کاسه زرین با نقش رب النوع و ربه النوع (آرامگاه شماره ۵۲)

تمدن مارلیک:

یکی از مهمترین مناطق باستانی شهرستان رودبار تپه مارلیک در روستای نصفی می باشد از این تپه که آرامگاه سرداران و سلاطین قوم آمارد بوده مجموعه‌ای بی‌نظیر از ظروف تشریفاتی مذهبی (جام‌ها)، مجسمه‌ها، زیورآلات، اسلحه، ابزار و ادوات، ظروف و ادوات آشپزخانه، مدل و نمونه ادوات مختلف و اسباب بازی کودکان است. اقوام مارلیک که به جزء در دو مهر استوانه آن هم تعداد محدودی، حروف تقریباً هیچ گونه آثار و مدارک خط و نوشته از خط باقی نگذاشته‌اند. به نظر می‌رسد از گروه اقوام هند و ایرانی بوده اندو احتمالاً اقوام باستانی مردها یا مردها را که بیشتر آنها در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد به این منطقه وارد شده‌اند و در دامنه‌های شمالی البرز و کرانه‌های جنوبی بحر خزر مستقر شده‌اند، معرفی می‌کنند.

آنها به تدریج در این منطقه یک حکومت پیشرفته و شکوفایی تشکیل دادند. شواهد نشان می‌دهد که از تپه مارلیک به منظور قبرستان سرداران و سلاطین و خانواده آنها استفاده کرده اند. این اقوام حدود دو یا سه قرن بلکه مدت طولیتری یعنی احتمالاً از قرن چهاردهم تا دهم پیش از میلاد در این منطقه ساکن بوده، در این سامان روزگار می‌گذراندند. در انتهای این دوران به نظر می‌رسد این منطقه را ترک گفته و به علت خاصی به طرف نواحی سیلک نزدیک شهر کاشان در محلی که قبرستان ب سیلک وجود دارد مهاجرت کردند. شباهت اشیای مکشوفه در قبرستان سیلک با اشیاء بدست آمده

در تپه مارلیک به خصوص در آثار مفرغی به حدی است که جای هیچ گونه تردیدی بر ارتباط نزدیک بین این دو گروه باقی نمی گذارد. به نظر می رسد تاریخ قبرستان سیلک کمی بعد از مارلیک و در اوایل هزاره اول پیش از میلاد می باشد (حفاری های مارلیک، ج یک، ص ۱۷ و ۱۸)



اقوام ساکن

مردم رودبار آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش گیلکی سخن می گویند. از نظر زبان و لهجه، شهر رودبار را می توان مرز گیلان دانست. چه با گذشتن از این شهر و رسیدن به شهر منجیل از تعداد افرادی که به گویش گیلکی سخن می گویند کم شده و آذری زبان ها بیشتر می شوند در لوشان تعدادی زیاد از اقوام کرد و لر در زمان خان قاجار و خان زند کوچانده شده اند. این قوم هنوز هم با آداب و سنن خویش زندگی می کنند. این شهر نژادهای مختلفی چون تالش ها، تات ها، کردها، لرها و گیلک ها زندگی می کنند. این امر موجب تنوع زبان در بین ساکنین آن می باشد.

چشمه های معدنی

چشمه آب معدنی سنگرود: روستای سنگرود - شهرستان رودبار

چشمه آب گرم ماستخور: ۵ کیلومتری رودبار

چشمه آب گرم لویه(روستای لویه ۲کیلومتری رودبار)

اماکن مذهبی:

آستان مقدس امام زاده حمزه(ع) لوشان

بقعه امام زاده محمد حنفیه(ع) بیورزین

بقعه شاه شهیدان(ع) بخش خورگام

امامزادگان احمد و محمد(ع) ناوه

بقعه ۳ فرزندان امام موسی کاظم (ع) روستای فیله

بقعه امامزاده طاهر(ع) رستم آباد

بقعه شهید سید یونس رودباری اولین شهید شهرستان رودبار(روستای آغوزبن)

جاذبه‌های تاریخی:

پل منجیل:

پل بستن بر آب سفید رود، به علت آب فراوان و سیلاب آن، مشکل و پرخرج است. به نقل از الاریوس(Olearius) در سال ۱۰۴۸ قمری(۱۶۳۸ میلادی) می‌نویسد که پلی با شش پایه که در هر پایه، اطاقی و آشپزخانه‌ای بود و پلکانی برای رفتن به اتاق‌ها داشت، بر روی آب سفید رود بنا کرده بودند. گنجایش اتاق‌ها به قدری بود که تمام افراد یک کاروان را جای می‌داد.

به نقل ازهنوی(Hanway) که راه رشت به قزوین را طی کرده، با قایق از آب سفید رود گذشته است و این خود نشانی است که در زمان او پلی بر روی این رودخانه نبوده است، یا پل آن خراب و قابل عبور نبوده است.

به نقل ازهاژور داریسی تد(Major d Arcy Todd): در سال ۱۲۵۳ قمری(۱۸۳۷میلادی) می‌نویسد که پل منجیل هفت دهانه داشت و متعلق به دوران صفویه بود. قسمتی از این پل در زمان سلطنت نادر شاه خراب شده بود و در حدود چهل سال قبل از سفر داریسی، سلیمان خان قاجار حاکم سابق گیلان آن را مرمت کرده است. دو هلال طاق دو دهانه را آب برده بود، با تخته آنرا را پوشانده و راه عبور و مرور را گشاده کردند.

میان سال‌های ۱۲۶۷ و ۱۲۷۷ قمری، حاجی ملا رفیع شریعتمدار که امام جمعه گیلان بود، پلی تازه بساخت. این پل از عجایب هنر معماری بود، اما در سال ۱۳۱۶ قمری، سیلی این پل را از جا کند. این پل به هنگام سفر ناصرالدین شاه به گیلان بر جای بوده است. سپس کمپانی روسی، پلی از آهن بر پایه‌های پل قدیمی بنا کرد که تا زمان رابینو (۱۳۳۱ق) بر پا بوده است. (ستوده ۱۳۷۴ ج ۱ ص: ۴۹۶ و ۴۹۷).

پل خشتی انبوه:

پل انبوه بر دهانه تنگی از پوزه کوه تشکیل شده است بر پاست. این بازوی کوه، روزی متصل به یکدیگر بوده و آب شاهرود آنرا بریده است. پوزه سنگی سمت چپ که تا لب آب پیش آمده، از لایه‌های سنگی تشکیل شده است. شالوده اصلی پل بر سنگ‌های بادبر محلی است. ارتفاع این دیوار سنگی به ۲۳۰ سانتیمتر می‌رسد. ملاط و بند کشی پایه سنگی، ساروج است. طول این پایه پل بالغ بر پانزده متر است. روی این پایه، بیست رگ آجر چیده شده و بنای اصلی پل با کمی عقب نشینی، روی آن بنا نهاده شده است.

پایه سمت راست بر سنگ رودخانه و سنگ بادبر است روی هم انباشته درزهای آنها را از ملاط ساروج پر کرده و با این عمل بنیان استواری برای پل به وجود آورده‌اند. ارتفاع ایت پایه‌ها از سطح آب فعلاً (۵ شهر یور)، شصت سانتیمتر است. روی این بدنه که قسمت شرقی آن کمی انحنا دارد، آجر با ملاط ساروج چیده اند. قسمت کوتاه دیوار، سی و شش رگ و قسمت نزدیک به گاو پهلوی پل، به پنجاه رگ می‌رسد. بر همین بدنه، لوزی آجری گودی است که ظاهراً تزیین یا نشانه مخصوصی است. میان این لوزی، لبه آجرها را به اندازه‌های مختلف بیرون گذاشته‌اند.

مصالح اصلی پل آجر و گچ سرنندی است. در جان پناه غربی، آجرهایی به ابعاد ۱۹×۱۹ سانتیمتر است و قطر ۴۵ میلی متر دیده می‌شود. باقی آجرها، بزرگتر و به ابعاد ۲۴×۲۴ سانتیمتر و قطر ۴۵ میلیمتر است. ارتفاع پل از لبه جان پناه تا سطح آب ۱۸/۸۰ متر است. ارتفاع جان پناه دو طرف، یک متر و در پاره‌ای جاها کمتر و یا کمی زیادتر است. عرض پل جان پناه‌ها ۷/۹۰ متر و بدون در نظر گرفتن عرض جان پناه‌ها، هفت متر تمام است. سطح پل سنگ فرش و بند کشی آن با گچ سرنندی است.

در طرف جنوبی سطح پل فضایی هموار است. پس از آن بر اثر تیزی طاق، سطح آن سر بالاست و پس از آن شیبی به اندازه سربالایی دارد. پس از گذشتن از سرازیری سطح پل، جهت پل به طرف دست راست منحرف می‌شود و بازوایی به

طرف دست راست آب می‌رسد. قسمتی از سطح پل که در یک امتداد است، با در نظر گرفتن قسمت سر بالا و قسمت سرازیر آن، سی و پنج متر و قسمتی که به دست راست منحرف می‌شود بیست و پنج متر است.

برای اینکه آجر کمتری در ساختمان پل به کار رود و از فشار طاق پل کاسته شود، معمار با ذوق و هنرمند آن، از فضای دو طرف تیزی طاق استفاده کرده و اطاق و مال بندی در آورده است. برای رسیدن به اطاق مسکونی شمالی، از سطح پل شش پله کوتاه پایین می‌رویم و به ایوانی می‌رسیم که روی آن در بدنه شرقی ساختمان اصلی پل است. این ایوان با دری به اطاق و از اطاق با در دیگری به ایوان غربی راه دارد. اطاق مذکور، به طول پنج متر و عرض سه متر است و صفهای به طول ۱۸۰ و عرض ۱۰۰ سانتیمتر در ضلع جنوبی اطاق ساخته شده است. دو طاقچه در طرفین این دو صغه است. در ضلع شمال اطاق، سه طاقچه در فواصل معین بنا شده است. عرض درهای شرقی و غربی اطاق ۱۰۵ سانتیمتر و ارتفاع آن دو متر است. ایوان‌های شرقی و غربی، به طول سه متر و عرض ۱۳۳ سانتیمتر است. لبه ایوان‌ها، جان پناهی است که از یک رگ آجر تخت و یک رگ آجر نر ساخته شده است. طاق اطاق و ایوان‌ها و سردرگاه‌ها، جناقی است.

از فضای زیر شیب جنوبی پل نیز استفاده کرده و اطاقی به طول ۶/۴۰ متر و عرض سه متر ساخته اند که ظاهراً ماتلبند و طویله است. ارتفاع در ورودی این اطاق با در نظر داشتن تیزی سر درگاه، دو متر و عرض آن ۱۰۵ سانتیمتر است. در دیوار غربی این اطاق، دو پنجره نور گیر با سر درگاه جناقی است. در ضلع شمالی اطاق، نزدیک در ورودی، دری کوچک است که به اطاق کوچکی راه دارد. در مزارع پایین دست پل طرف دست راست آب، کوره‌ای برای پختن آجرهای پل زده بوداند. در انتهای شمالی پل هم آثار کوره‌های گچ و آهک تا چندی پیش نمودار بود.

در حدود پنجاه سال قبل سیلی عظیم درختی آورد و زیر پل گیر کرد و پشت درخت، سنگ و گل و درختان دیگر انباشته گردید. راه عبور آب بسته شد و آب بالا زد و از روی سطح شمالی پل، آب رخنه کرد. آخر کار فشار آب، درخت را شکست و این پل عظیم از خرابی نجات یافت. اما شکستی بر طاق آن خورد. مرحوم حاجی میرزا تقی عموی احمد خان امیر شاهی، سنگ فرش سطح پل را مرمت کرد و کم و بیش شکست آنرا تعمیر نمود.

در محل معروف بود که پل را دو برادر و خواهری از خاندان سلاطین گیلان ساخته اند. اینان در قزوین که در آن مرکز حکومت بود تحت نظر بودند. از قزوین فرار کردند و از این راه به دیلمان می‌رفتند. رودخانه شاهرود سر راه ایشان بود. خواهر خود را به آب زد تا به دست مخالفان نیفتد و برادران نیز به دنبال او به آب زدند و هر سه تن سالم از آب بیرون

آوردند. چون جان از مهلکه به در بردند قرار گذاشتند پلی بر روی این آب بسازند معماری خواستند و خواهر به مباشرت بر سر کار ایستاد. روزی با نوکر خود، برای دور ریختن سوخته تنباکوی قلیان گفت و گو می‌کرد. معمار که چنین دید دست از کار کشید. خواهر به فراست دریافت و کنار پل آمد و از معمار پرسید: اگر این پل ساخته شود پایه پل کجا خواهد بود؟ معمار بدو نشان داد. آن زن کیسه‌ای پر از سکه در آب انداخت و سپس جای پایه دیگر را پرسید. معمار محل آنرا نشان داد. زن کیسه‌ای دیگری در آن طرف به آب انداخت. معمار متوجه جریان امر شد و به کار مشغول گردید و پل را تمام کرد.

نگارنده پل‌های زیادی در خاک مازندران و گیلان دیده است. ارتفاع هیچ یک از آنها به پل انبوه نمی‌رسد. هنر و مهارت معمار در اینجا است که تمام آب شاهرود را زیر یک طاق راه داده است (ستوده ۱۳۷۵ جلد ۲ ص: ۸ تا ۵).

این پل در زلزله سال ۱۳۶۹ قزوین - گیلان کاملاً تخریب شد و عبور مرور بر روی رودخانه شاهرود با احداث پل فلزی جدید صورت گرفت. سپس در سال ۱۳۷۴ به همت اداره میراث فرهنگی استان قزوین بازسازی آن شروع شده و تا به امروز به دلایل نامعلوم کار آن بصورت ناتمام رها شده است.

پل خشتی لوشان:

پل خشتی لوشان بر روی رودخانه شاهرود که از کوه‌های الموت سرچشمه می‌گیرد ساخته شده و زمانی تنها راه ارتباطی بین قزوین و رشت در این مسیر بوده است. این بنا در میان بافت شهری واقع شده است. عبدالصمد میرزا برادر تنی ناصرالدین شاه در هنگام عزیمت به روسیه در سال ۱۳۰۰هـ- ق و شرکت در مراسم تاجگذاری الکساندر سوم از این بنای تاریخی نام برده است. ه-ل رابینو در کتاب ولایات دارالمرز ایران گیلان ساخت این پل را به زمان خسروخان حاکم وقت گیلان در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار نسبت می‌دهد ولی سبک و معماری آن نشان می‌دهد که قدمت پل بیش از آن تاریخ می‌رسد منوچهر ستوده در کتاب از آستارا تا استارباد جلد اول به پل اشاره کرده است. طول پل ۱۰۲ متر و ارتفاع آن در بلندترین نقطه با جان پناه حدود ۱۷ متر است این پل دارای چهار دهنه کوچک و بزرگ است که طول بزرگترین دهنه آن ۱۸/۲۰ متر است. جهت پل شمالی جنوبی و شیب آن از شمال به جنوب است. به منظور جلوگیری از ازدیاد وزن پل و نیز مقاومت بیشتر و تقسیم فشارها کوره پوشها و اطاقهایی در سرتاسر پل ایجاد شده است

مصالح بکار رفته در این بنا از سنگ و آجر و ساروج و ملاط گل می باشد. ابعاد آجرهای آن 20×20 و 25×25 ختایی است و از نظر ظرافت و قدرت و استحکام در نوع خود کم نظیر است.

این پل در زلزله خرداد ماه ۱۳۶۹ صدمه زیادی دید و از اواخر همان سال مرمت آن آغاز گردید.

تعمیرات انجام شده در بنا:

در ادامه تعمیرات سالهای ۶۹-۱۳۷۰ اقداماتی بشرح ذیل انجام پذیرفت:

۱- بازسازی دیوارهای جان پناه شرقی و غربی، کلاً بطول ۲۰۴ متر در دو طرف و عرض ۶۰ سانتی متر و ارتفاع ۸۰ سانتی متر با نمای آجر ختایی به ابعاد 25×25 .

۲- کف سازی و سنگفرش کف پل بطول ۱۱۰ متر و عرض ۷ متر شامل شن ریزی- شیب بندی- بتون ریزی

تپه کلورز(جلالیه)

تپه مارلیک

قلعه دختر لویه

شهرداری رودبار

گورستان قدیمی منجیل

میل راهنمای لوشان:

این میل در نزد عموم منطقه به قلعه و آتشکده معروف است و در حال حاضر به نام میل شناخته شده است میل لوشان در فاصله ۳ کیلومتری جنوب شهر لوشان بر بالای کوه منفرد به همین نام قرار دارد. راه دسترسی به آن از طریق شهر لوشان و روستای پاچنار که در مجاورت آن قرار دارد واقع است. که پس از طی کردن چند کیلومتر و بعد از عبور از یک سربالایی بسیار تند و طاقت فرسا به میل لوشان می رسیم در متون تاریخی هیچ اشاره ای به این بنا نشده است برخی از ریش سفیدان محل معتقدند که در دوران قاجار به عنوان انبار اسلحه و عدوات نظامی استفاده می شده است.

ساختار معماری:

بر بالای تپه طبیعی بقایایی از میل لوشان به ارتفاع ۶ متر دیده می شود این برج بر روی سکویی مدور قرار گرفته که با عنایت به آوار و سنگهای ریخته شده در پیرامون بنا قسمتی از آن مشخص می باشد پلان آن مدور است و قطر پایه

محیط بیرونی بنا از ۱۴/۳۰ تا ۱۵ متر متغیر می‌باشد و این قطر در قسمت فوقانی کمتر از تحتانی آن می‌باشد. عرض دیوار بنا ۷۰ سانتیمتر می‌باشد. در قسمت بالایی دیوار پنجره‌ای به ابعاد ۹۰×۶۰ سانتیمتر است که در زیر آن سوراخ‌هایی ایجاد شده که احتمالاً برای داربست کردن جهت ساخت قسمت‌های بالای دیوار و یا قرار گرفتن نگهبانان بر روی آن برای دیده بانی و یا ایجاد سقف بوده است. راه ورود آن در قسمت جنوب می‌باشد.

بافت قدیمی روستای علی آباد

مسجد لویه پایین بازار رودبار (به سمت فیله)

بافت روستای انبوه

روستای فیله

کاروانسراها: ساخت کاروانسراها در ایران با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و مذهبی از روزگاران قدیم مورد توجه بود و به دو گروه برون شهری و درون شهری تقسیم می‌شوند. توسعه راه‌های تجاری و زیارتی موجب شد تا کاروانسراهایی برای توقف و استراحت کاروان‌ها ساخته شود. موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و دوری شهرها از یکدیگر در ایران از علل ازدیاد و گسترش این بناها بوده است.

کاروانسرای پشته در رستم آباد:

چون کاروانسرا و آب انبار و حمام بر پشته‌ای که از زمین اطراف در حدود پنج متر ارتفاع دارد بنا شده است بنام کاروانسرای پشته شناخته می‌شود از کاروانسرا که روزی جای آسایش کاروانیان بوده است اثری جز چهار دیواری بر آمده‌ای بر جا نیست. تقریباً تمام آجرهای آن را کنده و برده‌اند. کاروانسرا مربع شکل بوده و هر یک از اضلاع آن به چهل متر می‌رسیده است.

در شمال کاروانسرا آب انبار و در شمال غرب آن حمامی وجود دارد.

آجرهایی که در این بنا به کار رفته است به ابعاد ۲۲ و قطر کمی بیشتر از چهار سانتیمتر است. این بنا قاجاری است و احتمال دارد که از مستحدثات منوچهرخان معتمدالدوله باشد زیرا کاروانسرای سروان که در فاصله یک منزلی اینجاست به امر او بنا شده است (آستار تا استارآباد ستوده ۱۳۷۴ ج ۱ ص: ۳۱۰).

غار چپک - غار دربند

قلعه کلیشم - قلعه چیمارود

پناهگاه صخره ای زرگردکان

جاذبه های طبیعی

شهر رودبار

شهر منجیل

شهر رستم آباد

شهر بره سر

آبشار گوهررود

بیلاق آغوزبن

توربین های بادی منجیل

غار تاریک لوشان

در بند بزبره بیورزبن

ابتدای پارک جنگلی میرزا کوچک خان

اثر طبیعی ملی سرو کهنسال هرزویل

درخت کوف (مسیر چیچال به درفک)

اثر طبیعی و ملی سوسن چلچراغ

پارک جنگلی کوهستانی سلانسر

پارک شادی رستم آباد

پارک جنگلی سد تاریک (کندلات)

پارک جنگلی میرزا کوچک خان.

تالاب سیاه رود

چشمه فیله

حاشیه سفیدرود

دریاچه و سد تاریک

روستای اسکولک

روستای نصفی

روستای چهارمحل

درختان کهنسال روستای فیله

روستای هرزویل

سد منجیل و دریاچه پشت سد

قله درفک یا دلفک

آبشار آسیاب رود-دریاچه طبیعی خلشکوه-دریاچه ویستان

مجتمع تفریحی نیلوفر آبی منجیل

پارک شهید چمران رودبار

پارک شهدای لوشان

منطقه حفاظت شده جنگلی سیا هرود رودبار

بیلاقات سلانسر

روستای شیرکوه - دیورش - سی دشت - دره دشت - چیچال - انارکول

جشن ها و مراسم آئینی

علم واچینی کوهستان:

«علم بندی» به معنی بستن و آماده کردن علم برای مراسم سوگواری ماه محرم، و «علم واچینی» به معنی باز کردن آن در پایان این مراسم است. تقریباً در تمام گیان علم‌بندی حداکثر تا هفتم محرم انجام می‌شود و معمولاً پس از سوم شهادت امام علم‌ها را باز می‌کنند و به اصطلاح علم واچینی دارند. چنانکه پیداست این رسم در روزهای معینی از ماه محرم انجام می‌شود. اما تا چند سال پیش گونه ای دیگر از علم واچینی در مناطق کوهستانی شرق گیلان معمول بود. که اگرچه در آن هم بستن و باز کردن علم و گرداندن آن دور بقعه و مزاری متبرک و نذر و نیاز و سینه زنی معمول بود، اما انجام این مراسم به گردش سال قمری بستگی نداشت، بلکه محدوده زمانی معینی از سال را می‌پوشاند، یعنی در تابستان و پس از برداشت محصول و در یک روز جمعه انجام می‌گرفت. علم واچینی در تعدادی از روستاها و آبادی‌های کوهستان‌های شرقی گیلان از جمله سیدسرا، میکال، کوپس، سیاکو، کاکرود، تارش، متلاکو، نورالعرش، انبوه، نوده و نیز در شاه شهیدان برگزار می‌شد.

شاه شهیدان نام آبادی کوچکی است که نام وشهرت خود را از بقعه و زیارتگاه آن دارد و در آن روز یکپارچه شور و حرکت بود. در بازار یک روزه آن در هر گوشه متاعی عرضه می کردند. از محصولات کشاورزی و دستبافته ها و دست ساخته های محلی روستاهای اطراف تا مصنوعات شهری و پارچه ها و لباس های رنگارنگ و غیره. در یک میدانگاهی کنار بازار مجلس تعزیه دایر بود. و به قرار تا آخر علم واپسینی در دهکده های اطراف می ماندند. بعد از ظهر علم را در میان سینه زنان از داخل بقعه بیرون آوردند و دو سه دور پیشاپیش دسته سینه زن در داخل محوطه گرداندند و سپس در ایوان جلوی بقعه بر زمین نهادند و به باز کردن آن پرداختند. حاجت خواهان به زیارت می آمدند و تکه از پارچه را به گروگان نیزه شان می خواستند که اگر مشکلشان گشوده می شد، سال دیگر برای علم و زیارتگاه و متولی آن نذری می آوردند. پس از واپسین علم، که محور برگزاری این مراسم بود، بازار گردی و دید و بازدید و بازی ها و نمایش ها همچنان ادامه داشت و با غروب آفتاب مراسم علم واپسینی و بازار یک روزه به پایان می رسد.

این مراسم در روستای زیارتی توریستی شاه شهیدان بعد از برداشت محصول در تیر و مرداد که برابر اواخر اسپندار ماه و اوایل نوروز ماه گالشی است برگزار می شود.

جشن گل دهی سوسن چلچراغ

داماش منطقه رویش گل سوسن چلچراغ این اثر طبیعی ملی یکی از مناطق کم نظیر ایران است که براساس تصویب شورای عالی محیط زیست در سال ۱۳۵۵ جزء آثار طبیعی ملی کشور به ثبت رسیده است. سوسن چلچراغ گونه ای زیبا از تیره سوسنیان است که به نام سوسن سفید نیز خوانده می شود.

این گیاه اولین بار توسط دانشمندی بنام لدربوری شناسایی و با نام علمی *Lilumledburi* ثبت شد و به این دلیل به این گل سوسن چلچراغ می گویند که واژگون بودن گل های آن به چلچراغی آویخته از سقف شباهت دارد.

رنگ این گل وقتی که باز می شود سفید مهتابی و انتهای گلبرگ های آن خال هایی دارد و پرچم هایش بلند و توپر است. فصل گلدهی آن بستگی به شرایط آب و هوایی از نیمه خرداد تا اوایل تیر ماه هر سال می باشد و این گیاه غیر از منطقه عمارلو گیلان تنها در لنکران جمهوری آذربایجان مشاهده شده است.

همه ساله مقارن با هفته محیط زیست و گل دهی سوسن چلچراغ جشنواره ای به همین مناسبت در روستای داماش رودبار با همت اداره کل محیط زیست استان گیلان و همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی گیلان برگزار می شود.

در این جشنواره آیین های سنتی بومی مانند اجرای نمایش عروسه گله، لافند بازی، موسیقی محلی نیز با هنرنمایی هنرمندان گیلانی اجرا شد.

جشنواره انار روستای تاریخی انبوه

موقعیت جغرافیایی:

روستای انبوه در نیمه شرقی شهرستان رودبار در بخش عمارلو، ۳۸ کیلومتری جهت شرقی شهر جیرنده در طول جغرافیایی ۵۹ و ۴۹ شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ و ۳۹ شمالی در ارتفاع ۱۳۲۰ متری از سطح دریای آزاد در جنوب استان گیلان واقع می باشد.

روستا دارای ۲۲۰ خانوار و جمعیتی در حدود ۱۲۰۰ نفر است. گویش ساکنین روستا تاتی بوده و پوشاک زنان محلی است شامل: روسری، مندیل، جلیقه، تومان و پیراهن بلند می باشد.

مراسم آئینی:

علم و اچینی، مراسم شب های قدر، عید فطر و قربان، تاسوعا و عاشورا و قرائت دعای جوشن کبیر بر گرداگرد روستا در سومین روز شهادت سیدالشهدا برگزار می گردد.

مراسم سنتی:

عروسی، بازی های بومی محلی، جشن انار، جشن میش شوران، جشن میش دبین، تحویل سال نو، سیزده بدر.

اجرای مراسم:

میزبان مراسم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان است. جمعیت زیادی از نقاط دور و نزدیک به روستای انبوه می آیند. اهالی طبق سنت دیرپای صبح پس از اذان و به جای آوردن نماز به سوی انارستان که در شمال رودخانه شاهرود است حرکت می کنند. هر کس با وسیله نقلیه ای که حاضر است فاصله ۱۴ کیلومتری انبوه تا باغ های انار را طی می کنند. برخی از اهالی برای حمل و نقل از چهارپایان استفاده می کنند. اهالی با گفتن یا الله پاکار گُری (نگهبان باغات) شروع به چیدن انار می کنند.

انارچینان روستای انبوه- رودبار





نیروگاه بادی رودبار



سد سفید رود منجیل - رودبار



سرو کهنسال هرزویل منجیل - رودبار



سروهرزویل درختی کهنسال با ارتفاع ۳۰ متر و قطر تنه چهارمتر، به روایات مختلف از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال است که در خاک شهرک تاریخی هرزویل ریشه دوانده است. حتی ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه‌اش از درخت سرو زیبا و کهنسالی در منطقه هرزویل یاد می‌کند.

امامزاده محمد حنفیه(ع) بیورزین لوشان - رودبار



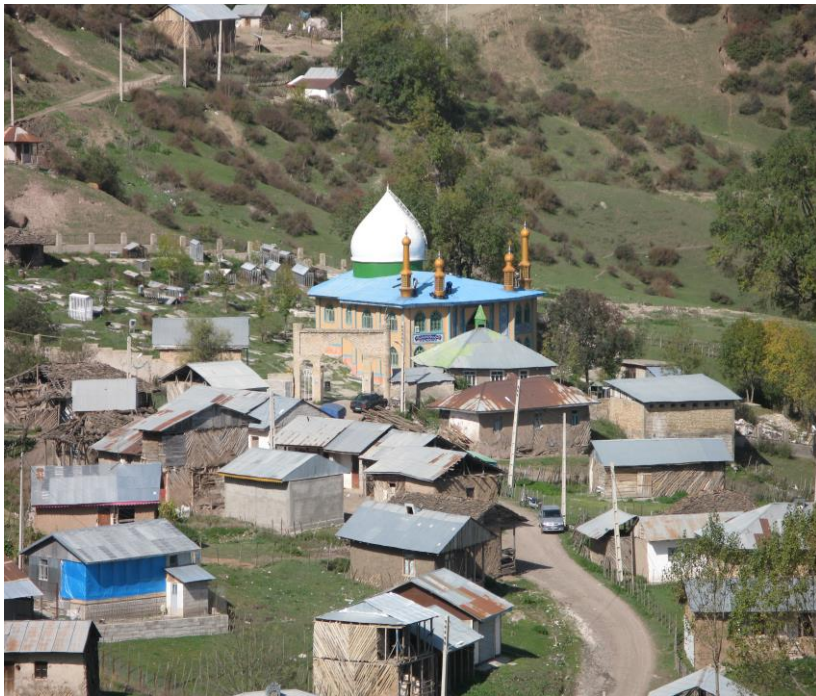
دریاچه سفید رودمنجیل - رودبار



شالیزارهای رستم آباد- رودبار



بقعه شاه شهیدان خورگام-رودبار



قلعه درفک رودبار



خانه بیلاقی درفک رودبار



زمستان خورگام-رودبار



روستای چهار محل خورگام-رودبار



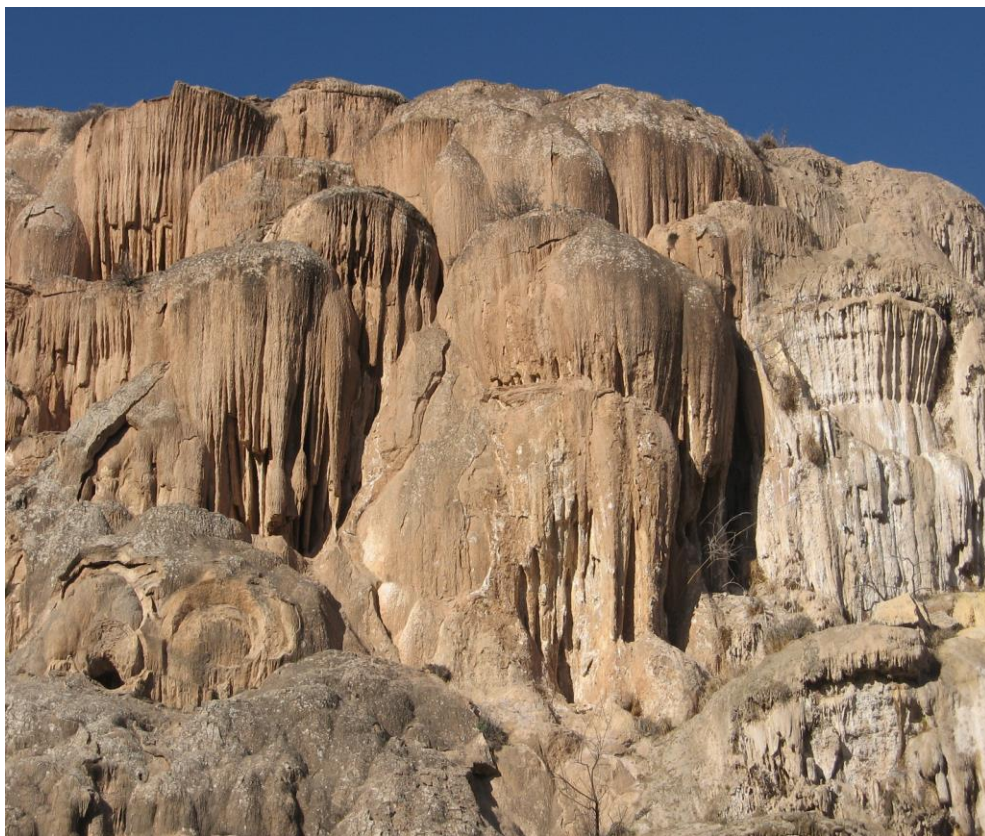
طبیعت چراکوه رودبار



مال دوشان عمارلو-رودبار



آبگرم سنگرود عمارلو-رودبار



صنایع دستی نوده فاراب - رودبار



تپه جلالیه کلورز رستم آباد- رودبار



گل سوسن چلچراغ عمارلو- رودبار



پل خشتی انبوه عمارلو-رودبار



روستای تاریخی انبوه عمارلو-رودبار



میل راهنمای لوشان-رودبار



آبشار آسیاب رود نوده فاراب-رودبار



بیلاق برین عمارلو-رودبار



پل خشتی لوشان



پل خشتی لوشان بر روی رودخانه شاهرود که از کوه‌های الموت سرچشمه می‌گیرد ساخته شده و زمانی تنها راه ارتباطی بین قزوین و رشت در این مسیر بوده است. این بنا در میان بافت شهری واقع شده است. عبدالصمد میرزا برادر تنی ناصرالدین شاه در هنگام عزیمت به روسیه در سال ۱۳۰۰هـ- ق و شرکت در مراسم تاجگذاری الکساندر سوم از این بنای تاریخی نام برده است.

ه-ل رابینو در کتاب ولایات دارالمرز ایران گیلان ساخت این پل را به زمان خسروخان حاکم وقت گیلان در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار نسبت می‌دهد ولی سبک و معماری آن نشان می‌دهد که قدمت پل بیش از آن تاریخ می‌رسد منوچهر ستوده در کتاب از آستارا تا استارباد جلد اول به پل اشاره کرده است. طول پل ۱۰۲ متر و ارتفاع آن در بلندترین نقطه با جان پناه حدود ۱۷ متر است این پل دارای چهار دهنه کوچک و بزرگ است که طول بزرگترین دهنه آن ۱۸/۲۰ متر است. جهت پل شمالی جنوبی و شیب آن از شمال به جنوب است. به منظور جلوگیری از ازدیاد وزن پل و نیز مقاومت بیشتر و تقسیم فشارها کوره پوش‌ها و اطاق‌هایی در سرتاسر پل ایجاد شده است مصالح بکار رفته در این بنا از سنگ و آجر و ساروج و ملاط گل می‌باشد. ابعاد آجرهای آن ۲۰×۲۰ و ۲۵×۲۵ ختایی است و از نظر ظرافت و قدرت و استحکام در نوع خود کم نظیر است.

این پل در زلزله خرداد ماه ۱۳۶۹ صدمه زیادی دید و از اواخر همان سال مرمت آن آغاز گردید.

تعمیرات انجام شده در بنا:

در ادامه تعمیرات سال‌های ۶۹-۱۳۷۰ اقداماتی بشرح ذیل انجام پذیرفت:

۱- بازسازی دیوارهای جان پناه شرقی و غربی، کلاً بطول ۲۰۴ متر در دو طرف و عرض ۶۰ سانتی متر و ارتفاع ۸۰ سانتی‌متر با نمای آجر ختایی به ابعاد ۲۵×۲۵.

۲- کف سازی و سنگفرش کف پل بطول ۱۱۰ متر و عرض ۷ متر شامل شن‌ریزی- شیب بندی- بتون‌ریزی.